

علامه طباطبایی؛ فارابی عصر و مفسر کبیر قرآن



۲۴ آبان، سالروز درگذشت فرزانه‌ای فرهیخته، فارابی عصر، مفسر کبیر قرآن و عارفی کامل است که عمر ۷۹ ساله خود را، برای شکوفایی معارف دینی و گسترش آن در جامعه انسانی هدیه کرده و با گذر از دانه و دام دنیایی، سبکبال با توشه ای گران سنگ چون تفسیر المیزان، به سوی یار پرکشید.

ایسنا/آذربایجان شرقی ۲۴ آبان، سالروز درگذشت فرزانه‌ای فرهیخته، فارابی عصر، مفسر کبیر قرآن و عارفی کامل است که عمر ۷۹ ساله خود را، برای شکوفایی معارف دینی و گسترش آن در جامعه انسانی هدیه کرده و با گذر از دانه و دام دنیایی، سبکبال با توشه‌ای گران سنگ چون تفسیر المیزان، به سوی یار پرکشید.

سید محمدحسین طباطبایی در ۲۹ ذی القعدة ۱۳۲۱ قمری مصادف با ۱۲۸۱ شمسی در تبریز به دنیا آمد. اجداد پدری وی از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) و ابراهیم بن اسماعیل دیباج بود که تا ۱۴ پشت او همگی دانشمند و عالم بودند. علامه از طرف مادر نیز از اولاد امام حسین (ع) بود. سید محمدحسین، در ۵ سالگی، مادر، و در ۹ سالگی پدرش را از دست داد. برادر کوچکتر او سید محمدحسن معروف به سید محمدحسن الهی نیز عارف و فیلسوف بود.

همسر علامه، قمرالسادات مهدوی، از خانواده سادات طباطبایی بود. سه فرزند اول علامه در کودکی و در نجف از دنیا رفتند. فرزند بعدی آن‌ها، پسری بود که طباطبایی، به سفارش استاد خود سید علی قاضی طباطبایی، اسم او را عبدالباقی گذاشت. سید عبدالباقی طباطبایی دارای تحصیلات فنی بود و در حوزه ریاضیات و هندسه از علامه طباطبایی بهره برده بود و نجمه سادات طباطبایی نیز فرزند دیگر آنها بود.

دوران تحصیل و تدریس

سید محمدحسین به مدت شش سال (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ ش) پس از آموزش قرآن که در روش درسی آن روزها قبل از هر چیز تدریس می شد، آثاری چون گلستان، بوستان و ... را فراگرفت، سپس وارد مدرسه طالبیه تبریز شد و به فراگیری ادبیات عرب، علوم نقلی، فقه و اصول پرداخت و از سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۰۴ شمسی نیز مشغول فراگیری دانش های مختلف اسلامی شد؛ او زیر نظر میرزا علینقی خطاط به یادگیری فنون خوشنویسی پرداخت و در تعلیم خط به مقام استادی رسید.

علامه طباطبایی بعد از تحصیل در مدرسه طالبیه تبریز، همراه برادرش به نجف رفت و از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴ شمسی به تحصیل علوم دینی پرداخت در ۱۳۱۴ شمسی به تبریز برگشت و تا ۱۳۲۵ شمسی که در آنجا ساکن بود، به کشاورزی مشغول شد و در کنار کار کشاورزی به تألیف و تحقیق نیز می پرداخت. علامه در ۱۳۲۵ شمسی به قم رفت و تا پایان عمر آنجا ماند و مشغول تدریس، تحقیق و تألیف شد.

درگذشت

وی، یکشنبه، ۲۴ آبان سال ۱۳۶۰ شمسی (۱۸ محرم ۱۴۰۲ ق) از دنیا رفت. پیکر او، فردای آن روز از مسجد امام حسن عسکری (ع) تا حرم حضرت معصومه (س)، تشییع شد. آیت الله سید محمدرضا گلپایگانی بر پیکرش نماز خواند و در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

زندگی علمی

در نجف:

علامه طباطبایی پس از اتمام دروس مقدماتی در تبریز، در سال ۱۳۰۴ راهی نجف شد و ۱۰ سال در حوزه علمیه نجف به تکمیل معلومات خود در شاخه های مختلف علوم اسلامی پرداخت. وی فقه و اصول را نزد میرزای نایینی، محمدحسین غروی اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی، علم رجال را نزد سید محمد حجت کوه کمری، فلسفه را نزد سید حسین بادکوبه ای، ریاضیات را نزد آقا سید ابوالقاسم خوانساری و اخلاق و عرفان را از سید علی قاضی طباطبایی آموخت.

در تبریز:

علامه طباطبایی هنگامی که در نجف مشغول تحصیل بود، به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعی اش در تبریز بدست می آمد، در سال ۱۳۱۴، مجبور به بازگشت به زادگاهش تبریز شد و ۱۰ سال در روستای شادآباد تبریز به زراعت و کشاورزی مشغول شد. وی این دوره از زندگی خود را به جهت بازماندن از تدریس و تفکر علمی، دوره خسارت روحی دانسته است. تعدادی از کتاب ها و رساله های او همچون رساله «اثبات ذات»، «اسماء و صفات»، «ولایت»، «نبوت»، «الا نسان قبل الدنیا»، «الا نسان فی الدنیا» و «الانسان بعد الدنیا»، حاصل تفکرات این دوره است، همچنین تفسیر مختصری از ابتدای قرآن تا سوره اعراف نیز در این دوران گزارش شده است.

علامه طباطبایی از سال ۱۳۲۵ در قم ساکن شد و فعالیت علمی خود را از سرگرفت. او درس تفسیر و فلسفه را در قم آغاز کرد و به تدریج، دروس اساسی حکمت مانند کتاب شفاء و اسفار را با تمام موانعی که وجود داشت، تدریس کرده و شاگردان فراوانی نیز تربیت کرد لذا وی را احیاگر علوم عقلی و تفسیر قرآن در حوزه علمیه قم دانسته اند.

گفته شده شهرت علامه طباطبایی در تهران و حوزه های علمی ایران، هنگامی آغاز شد که از تبریز به قم مهاجرت کرد و درس تفسیر و فلسفه و بحث و گفتگوهای علمی را شروع کرد.

جلسات علمی تهران

در دوران سکونت در قم، یکی از فعالیت های علامه طباطبایی شرکت در جلساتی علمی و فلسفی در تهران بود. این جلسات با حضور هانری کربن، سید حسین نصر، داریوش شایگان و... با محوریت علامه طباطبایی درباره مسائل فلسفی، عرفانی، ادیان و اسلام شناسی برگزار می شد. او در سفرهای پیاپی به تهران، با علاقه مندان به حکمت و معارف اسلامی تماس داشت و گاه با مخالفان دین و حکمت نیز بحث و مناظره می کرد.

جلسات علامه با کربن به مدت ۲۰ سال (۱۳۷۸ تا ۱۳۹۹ق) هر پاییز با حضور جمعی از اهالی فلسفه تشکیل می شد و در آن مباحث اساسی دین و فلسفه و... مطرح می شد. به گفته ی دکتر سید حسین نصر چنین جلساتی در سطح بالا و با افقی وسیع در جهان اسلام امروز بی نظیر بوده است و حتی می توان گفت که از دوره قرن وسطی که تماس فکری و معنوی اصیل بین اسلام و مسیحیت قطع شد، چنین تماسی بین شرق اسلامی و غرب حاصل نشده است.

گفتگوهای علمی علامه طباطبایی با هانری کربن، در سال ۱۳۳۹ش به کوشش محمدجواد باهنر و اکبر هاشمی رفسنجانی با عنوان «مکتب تشیع» به چهار زبان فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی منتشر شد.

شاگردان

بخش بزرگی از رهبران روحانی انقلاب ۱۳۵۷ ایران، شاگردان مشترک سید محمدحسین طباطبایی و روح الله خمینی(ره) هستند. طباطبایی شاگردان زیادی تربیت کرد، که از جمله آن می توان به مرتضی مطهری، حسین شب زنده دار جهرمی، محمد جواد باهنر، محمد واعظ زاده خراسانی، سید مرتضی جزایری، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، امام موسی صدر، داریوش شایگان، عبدالله جوادی آملی، سید محمد حسینی بهشتی، حسن حسن زاده آملی، علی پهلوانی تهرانی، محمود امجد، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، سید عبدالله فاطمی نیا، عزیزالله خوشوقت، غلامحسین ابراهیمی دینانی، سید عزالدین حسینی زنجان، محمدرضا نکونام، محمد محمدی گیلانی، محمد صادقی تهرانی، سید جلال الدین آشتیانی، علی قدوسی، اسدالله بیات زنجان، محمد مفتاح، محمد، اسماعیل صائنی زنجان، ابراهیم امینی، جواد مناقبی، یحیی انصاری، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید، محمد علی موحد ابطحی، حسین علی منتظری، سید محمدحسین حسینی طهرانی، ناصر مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی، سید مهدی حسینی روحانی، سید علی خامنه ای، سید محمد خامنه ای، سید حسین نصر، حسین مطهری، علی اصغر کرباسچیان، محمدرضا مهدوی کنی، محسن مجتهد شبستری، عباس محفوظی، سید صابر جباری، سید محمد شاهچراغی، سید کرامت الله ملک حسینی، سید محمد ضیاءآبادی، مجتبی تهرانی، محمد تقی مصباح یزدی و هاشم تقدیری سبزواری را نام برد.

آثار

آثار بسیاری از ایشان به جای مانده است، اما مهمترین آنها به شرح زیر است:

تفسیر المیزان؛ علامه طباطبایی از حدود سال ۱۳۳۲ نوشتن تفسیر المیزان را آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۰ آن را در ۲۰ جلد به زبان عربی به پایان رساند. در این تفسیر از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است و علاوه بر تفسیر آیات و بحث های لغوی در بخش هایی جداگانه با توجه به موضوع آیات مباحث روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی، علمی و اجتماعی نیز دارد. ترجمه این اثر به دو شکل منتشر شده است؛ نخست در ۴۰ جلد و سپس در ۲۰ جلد، این اثر با توصیه علامه طباطبایی توسط سید محمدباقر موسوی همدانی به فارسی ترجمه شده است و برخی مجلدات آن هم توسط دیگران ترجمه شده است.

تفسیر روایی البیان؛ علامه طباطبایی قبل از نوشتن تفسیر المیزان، در تبری اقدام به نوشتن تفسیری با محوریت احادیث کردند. نام این تفسیر نیمه تمام تفسیر البیان فی الموافقة بین الحديث و القرآن است و چنان که از یادداشت های مؤلف به دست می آید، ایشان در فاصله سال های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ قمری مشغول نوشتن این تفسیر بوده است و احتمالاً به علت ورود ارتش روسیه به تبریز و بحران های بعد از آن این کتاب ناتمام مانده است. این تفسیر چند سال بعد از درگذشت علامه منتشر شده و از اول قرآن تا پایان سوره یونس را دربر می گیرد.

تعليقه بر بحار الانوار؛ علامه طباطبایی معتقد بود که بحار الانوار بهترین دائرة المعارف شیعه در زمینه احادیث و دارای یک فصل بندی مطلوب و توضیحات مناسب در ذیل احادیث است، اما از آنجا که علامه مجلسی در مسائل فلسفی مسلط نبوده، گاه در توضیحاتی که درباره احادیث نوشته دچار اشتباه شده است به همین دلیل بنا شد علامه طباطبایی در چاپ جدید بحار الانوار نکاتی را در حاشیه بیافزاید. این کار تا اوایل جلد هفتم بحار انجام شد و کتاب با توضیحات او منتشر شد، اما به دلیل این که نقدهای علامه بر نظریات علامه مجلسی خوشایند عده ای نبود و از طرفی علامه طباطبایی حاضر نشد از مواضع خود صرف نظر کند، این حاشیه نویسی ناتمام ماند.

ذوق شعری

علامه، دارای ذوق شعری بوده و اشعاری سروده که بعدها خودش آن ها را از بین برده است. پاره ای از اشعار باقی مانده اش در کتابی با نام «ز مهر افروخته» چاپ شده است. در برخی از سروده های او، (گذر ز دانه و دام جهان و خویش مبار) واژه غیر فارسی به کار نرفته است. معروف ترین غزل علامه طباطبایی «کیش مهر» است. بخشی از شعر این اثر:

همی گویم و گفته ام بارها

بود کیش من مهر دلدارها

پرستش به مستی است در کیش مهر

برون اند زین جرگه هشیارها

به شادی و آسایش و خواب و خور

علامه طباطبایی، مایه افتخار جهان اسلام

نماینده مردم آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان رهبری در خصوص علامه طباطبایی به ایسنا می گوید: علامه طباطبایی شخصیتی بود که نه تنها ایران، آذربایجان و خاندان طباطبایی بلکه از مفاخر جهان اسلام به شمار می آمد. آیت الله محمدتقی پورمحمدی ادامه می دهد: وی در سال ۱۲۸۱ در تبریز متولد شد و بعد گذراندن دروس مقدماتی در تبریز جهت ادامه تحصیل عازم نجف اشرف شد تا از کلاس درس اساتیدی چون آیت الله العظمی کوه کمری، آیت الله اصفهانی و شخصیت های والای دیگر استفاده کند.

او اضافه می کند: خداوند به علامه طباطبایی توفیق داد تا در زمینه های مختلفی تخصص داشته باشد یعنی بعد ملاصدرا و فخر المحققین شیرازی، از شخصیت های نامدار و صاحب نظران فلسفه بود که برخی از نظرات او موافق با عقیده ی حاج آقای فخر المحققین نبوده و در بعضی ها نیز خود صاحب نظر بود.

امام جمعه مراغه خاطرنشان می کند: او علاوه بر فلسفه و کلام، فقیه و مجتهد بود، اما جنبه ی فلسفی و تفسیری، جنبه ی فقهی و اصولی او را تحت الشعاع قرار می داد.

او یادآور می شود: علامه طباطبایی اهل معرفت بود چراکه بهره مندی او از محضر اساتید والامقام، شخصیت او را تحت تاثیر قرار داده و و برکات وجودی علامه را افزایش داده بود.

او می گوید: افراد والامقامی مانند آیت الله مطهری، بیگی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی و... از شاگردان او بود که تحت تربیت علامه پرورش یافتند.

آیت الله پورمحمدی بیان می کند: شاگردان زنده ای مثل رهبر معظم انقلاب، آیت الله هاشمی رفسنجانی و آیت الله خوشبخت نیز از شخصیت ناب ایشان بهره مند شدند.

تفسیر المیزان علامه، شیعه را رو سفید کرد

او متذکر می شود: اغلب با کتاب های درسی حوزه های علمی مانند بدایت الحکمت و نهایت الحکمت از جمله آثار ایشان هستند که به عنوان کتاب درسی تدریس می شوند، اما مهم ترین اثر ایشان که از همه بالاتر بوده، تفسیرالمیزان بوده که در ۲۰ جلد به تفسیر گسترده ی قرآن پرداخته است.

او ادامه می دهد: کتاب تفسیرالمیزان، مکتب شیعه و تشیع را سرافراز کرد؛ زمانی که جلد اول این کتاب نوشته شده بود، بعد از بررسی آن در دانشگاه الازهر مصر، از بزرگی این اثر، جشنی را در این دانشگاه به پا کردند لذا او با این اثر خود، شیعه را رو سفید کرد.

این عضو مجلس خبرگان رهبری اظهار می کند: بعد شیخ طوسی و طبرسی تفاسیر مختصری و زیادی نوشته شده بود، اما چندان موفق نبودند؛ تا زمانی که علامه طباطبایی در ۲۰ جلد، تفسیر گسترده ای را نوشت که علاوه بر تفسیر آیات قرآن، بحث کلامی، فلسفی و حدیثی را در زمینه های مختلف مطرح می کرد.

کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» علامه طباطبایی بی نظیر است

او یادآور می شود: علامه طباطبایی در علم فلسفه، نوشتن کتاب و آثار دیگر، تربیت شاگردان و پاسخ به شبهات به ویژه در زمانی که مارکسیست ها حضور داشته و اصولی را مطرح کرده بودند، خدمت بزرگی به جهان علم کرد و با نوشتن اصول فلسفه و روش رئالیسم، به آنها پاسخ داد لذا آیت الله مطهری نیز کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه را اندکی تغییر داده و در پنج جلد چاپ کرد که در زمینه ی فلسفه و رئالیسم بی نظیر است.

او می گوید: علامه طباطبایی و شاگردان ایشان چون آیت الله سبحانی، آیت الله مطهری، آیت الله جوادی آملی، آیت الله حسن زاده آملی، آیت الله مصباح یزدی و... برکات وجودی زیادی داشتند و نقش آنها در آگاهی مردم از انقلاب اسلامی بی بدیل بود و مردم را با قلم و نوشته خود آگاه کردند.

رابطه صمیمی علامه طباطبایی با امام راحل (ره)

امام جمعه مراغه خاطرنشان می کند: علامه طباطبایی حامی انقلاب بود و روابط صمیمانه ای با امام راحل(ره) داشت؛ شاگردان ایشان نیز از انقلاب و نظام حمایت کرده و آرزوی برپایی نظام را داشتند لذا در سال ۱۳۶۰ که علامه از دنیا رفت، حوزه های علمیه و جهان تشیع و اسلام سرمایه ی بزرگی را از دست دادند؛ به روح ایشان درود و سلام فرستاده و امیدواریم بتوانیم از آثار ایشان استفاده کرده و از شفاعت علامه در روز قیامت بی بهره نماییم.

او اضافه می کند: علامه طباطبایی اسلام شناس و صاحب نظر در علم فلسفه، کلام، تفسیر قرآن، ریاضیات و رشته های دیگری بود که علاوه بر نوشته ها، مقالات و رساله های زیادی را در زمینه های مختلف داشت.

آیت الله پورمحمدی ادامه می دهد: علامه طباطبایی متدین، متواضع، عاشق اهل بیت(س) و باتقوا بود به گونه ای که اگر فردی به روی ایشان نگاه می کرد، یاد خدا را در دل او زنده می کرد.

او بیان می کند: علاوه بر حوزه ی فلسفه، در ادب، فارسی، شعر و غزل نیز حرفه ای بود، اما اصل کار ایشان قرآن، تفسیر و فلسفه بود که در کنار آن به مسائل ادبی نیز پرداخته و آثاری زیادی را بر جای گذاشت.

شخصیت بی بدیل علامه شایسته الگوبرداری است

او می گوید: استقامت، پشتکار، اخلاق نبوی، حلم، صبر و بردباری، تواضع، قناعت و تمام زندگی ایشان شایسته ی الگوبرداری بود لذا نسل جدید باید با الگو برداری از ایشان، شخصیت خود را به علامه نزدیک کنند.

این عضو مجلس خبرگان رهبری متذکر می شود: مسئولین فرهنگی، آموزش و پرورش و رسانه ها وظیفه دارند تا به مفاخری چون علامه طباطبایی و بسیاری دیگر که حتی افراد متدین نیز آنها را نمی شناسند، اهمیت دادن و با تهیه ی مستندی از زندگی آنها، این مفاخر را به جهان معرفی کنند.

او تاکید می کند: امیدوارم خداوند توفیق دهد تا از شخصیت هایی چون علامه طباطبایی پیروی کرده و از آثار ایشان بهره مند شویم تا در آینده شاهد ظهور علامه طباطبایی هایی در جامعه باشیم.